

## امنیت قضایی در مرحله دادرسی در حقوق کیفری و رویه قضایی و چالش‌های فرارو

محسن محدث، اجعفر کوشا، امجد متین راسخ، آعلیرضا میلانی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۱۵

از صفحه ۱۵۹ تا ۱۸۲

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوازدهم، شماره چهارم (پیاپی چهل‌وهشتم)، زمستان ۱۳۹۸

### چکیده

**مقدمه:** در این مقاله ابعاد و جلوه‌های امنیت قضایی در مرحله دادرسی در حقوق کیفری و رویه قضایی و چالش‌های فراروی آن مورد بررسی قرار گرفته است. امنیت قضایی یکی از مفاهیم بنیادین حقوق شهروندی در مراحل دادرسی قضایی است. سؤال اساسی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته، این است که مؤلفه‌های امنیت قضایی در مرحله دادرسی تا چه اندازه در حقوق کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته و چالش‌های فراروی تحقق امنیت قضایی کدام است؟

**روش:** تحقیق حاضر از نظر روش، تحلیلی - توصیفی بوده و یافته‌های آن با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تحلیل شده است.

**یافته‌ها:** این تحقیق نشان می‌دهد که عناصر و مؤلفه‌های امنیت قضایی از قبیل دادرسی عادلانه، علنی بودن دادرسی، اصل بی‌طرفی قاضی، حق احضار شهود، ضابطین علمی و قانونمند، حق دسترسی به وکیل و سلب حق ارجاع پرونده از دادستان و واگذاری آن به قاضی ارجاع مستقل از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت قضایی است که در حقوق کیفری و رویه قضایی ایران مورد توجه قرار گرفته است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج تحقیق بیانگر این امر است که مواردی چون اطلاع دادرسی، ناکارآمدی و عدم پاسخگویی دستگاه قضایی، عدم وجود پلیس علمی و کارآمد می‌تواند به‌عنوان چالش‌های امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران نمود پیدا کند.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت قضایی، دادرسی، رویه قضایی، دادرسی عادلانه، دادرسی علنی، ضابطین.

۱- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس، تهران، ایران (نویسنده مسئول). mohadesm@yahoo.com

۲- دانشیار گروه حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، تهران، ایران.

۴- استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، تهران، ایران.



## مقدمه

امنیت قضایی فرایندی برای رسیدگی به یک نظام قضایی عادلانه و منصفانه است که در آن همگان به آن دسترسی داشته باشند و حقوق و آزادی‌های شهروندان به صورت مناسب تأمین می‌شود. دادرسی منصفانه و معیارهای مربوط به آن، یکی از این شاخص‌هاست که ضریب اطمینان و احساس امنیت شهروندان به مراجع قضایی و انتظامی را افزایش می‌دهد. پایه و مبنای قوانین کیفری و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و رویه‌های قضایی مبتنی بر رعایت حقوق افراد در زمینه امنیت قضایی است. لذا سؤال و مسئله اصلی این تحقیق بررسی این موضوع است که اساساً قوانین و مقررات کیفری و رویه‌های قضایی ایران و اجزا و عناصر تا چه میزان با مؤلفه‌های امنیت قضایی تطابق دارد؟ در راستای بررسی و پاسخ به سؤال مورداشاره، ابتدا امنیت قضایی در مرحله دادرسی در حقوق کیفری و رویه قضایی بررسی می‌شود و در ادامه، به چالش‌های فرارو پرداخته می‌شود.

## پیشینه و مبانی نظری پژوهش

## پیشینه پژوهش

با مطالعه و بررسی‌های به‌عمل‌آمده، مشخص شد که تاکنون تحقیق یا پایان‌نامه‌ای با این عنوان انجام نشده است؛ اما پژوهش‌هایی که شباهت بیشتری به این موضوع داشت استخراج شد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

حسینی (۱۳۹۷)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «جلوه‌های امنیت قضایی بزه‌دیدگان در حقوق کیفری ایران» آورده است که با ارتکاب جرم، برخی از افراد جامعه آماج آثار آن قرار می‌گیرند و به‌عنوان قربانیان جرم، آسیب‌هایی به آن‌ها وارد می‌شود.

گرانمایه‌پور (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی امنیت حقوقی در قوه قضائیه ایران با رویکردی به قانون آلمان» آورده است که امنیت به مفهوم حالتی است که افراد در شرایط خاص نسبت به حفظ و صیانت حقوق مشروع خود احساس می‌کنند و امنیت حقوقی بخشی از حقوق داخلی است، پس باید

دارای قدرت عمومی باشد و این قدرت نیازمند نظام حقوقی است که بتواند از سوی مقام صلاحیت‌داری برای حکومت بر اعمال و وقایع شهروندان اجرا شود.

محمدی زرج‌آبادی (۱۳۸۷)، در تحقیق خود به بررسی حق امنیت افراد جامعه با توجه به اصول قانون اساسی و موازین حقوق بشر پرداخته است. در این پژوهش، محقق سعی در استخراج ابعاد مختلف امنیت افراد جامعه، به‌ویژه امنیت قضایی در دیدگاه اسلام کرده است. به عقیده وی، اسلام منشأ قدرت را خداوند عزوجل می‌داند و قدرت نامحدود دنیوی را ناقض حقوق فطری انسان‌ها می‌داند.

اشراقی (۱۳۸۴)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به موضوع «بررسی امنیت قضایی بر مبنای کرامت و شرف انسانی» پرداخته است.

### مبانی نظری پژوهش

#### کرامت انسانی:

از بین نظریه‌های موجه‌ساز حق‌های بنیادین بشر از قبیل حقوق طبیعی، قراردادگرایی، حق الهی و... شاید متقن‌ترین آن‌ها نظریه‌ای است که بر حیثیت و کرامت ذاتی آدمیان تأکید می‌کند. بر مبنای این نظریه، انسان دارای کرامت ذاتی است. مراد از کرامت ذاتی انسان همان غایت پنداشتن هر انسان در خویشتن خویش است. هر انسانی باید هدف و غایت تلقی شود و به‌هیچ‌روی، نمی‌توان برای رسیدن به یک هدف (هرچند هدف انسانی) انسان دیگر را وسیله قرار داد.

#### دادرسی عادلانه:

برای بررسی میزان مطلوبیت هر موضوع یا فرایند از جمله قانون و قانون‌گذاری، به‌ناچار باید آن را با مقوله عدالت ارزیابی کرد. عدالت در معنای عملی‌تر خود با مقوله‌ها و مفاهیم همسایه و هم‌خانواده‌ای مانند برابری، اخلاق، قانون، انصاف، آزادی درمی‌آمیزد (بشریه، ۱۳۸۳: ۷-۸). به‌طورکلی، مفهوم عدالت از زمانی در ذهن آدمی پیدا شده است که پرسش از بهتر زیستن در اندیشه‌ها راه یافت. یکی از اهداف تشکیل حکومت‌های دموکراتیک یا مردم‌سالار نیز نیل به عدالت و آزادی‌ها مشروع است. بدین ترتیب، در این جوامع افراد ملت مشمول محدودیت‌ها و اوامر و نواهی قانونی قرار نمی‌گیرند، مگر با



اعمال مقررات قانونی در مراجع قضایی که در آن کلیه معیارهای دادرسی عادلانه، مدنظر قرار گرفته باشد (قاضی، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

### اصل برائت:

اصل برائت نتیجه منطقی اصل قانونی بودن جرائم به شمار می‌رود. این اصل در امور کیفری کاربرد بسیار دارد و اهمیت فراوان می‌یابد. این اصل در فقه اسلامی سابقه‌ای دیرین دارد و یکی از قواعد معتبر به شمار می‌رود. در حقوق فرانسه نیز مبنای این اصل به ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروند سال ۱۷۸۹ بازمی‌گردد. اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل برائت را به‌عنوان اصلی مهم شناسایی نموده است.

### اصل قانونی بودن جرم و مجازات:

این اصل مبین این گفته معروف است که «هیچ جرمی و هیچ مجازاتی بدون قانون وجود ندارد». این گفته که مفاد اصل مزبور را به‌صورت موجز و مختصر بیان می‌دارد، حاکی از آن است که: ۱- هیچ فعل یا ترک فعلی جرم نیست، مگر اینکه قانون آن را قبلاً جرم شمرده باشد. ۲- هیچ واکنش کیفری و تأمینی به رفتارهای انسان قابل‌اعمال نیست، مگر آنکه صریحاً در قانون پیش‌بینی شده باشد. ۳- هیچ دادگاهی صالح به رسیدگی به جرم و تعقیب مجرم نیست، مگر که به‌موجب قانون تشکیل شده باشد. ۴- هیچ حکم جزایی قابل‌اجرا نیست، مگر اینکه در جهت صدور آن تمامی تشریفات قانونی رعایت شده باشد.

### عناصر امنیت قضایی حاکم بر دادرسی

در این مبحث، عناصر امنیت قضایی حاکم بر دادرسی شامل دادرسی عادلانه، تسریع در دادرسی، اصل بی‌طرفی قاضی، اصل دادرسی علنی و ضابطین دادگستری با نگاهی به رویه قضایی موردبررسی قرار می‌گیرد.

## دادرسی عادلانه:

برای بررسی میزان انطباق قانون و قانون‌گذاری با امنیت قضایی، به‌ناچار باید آن را با مقوله عدالت ارزیابی کرد. عدالت در معنای عملی‌تر خود با مقوله‌ها و مفاهیم همسایه و هم‌خانواده‌ای مانند برابری، اخلاق، قانون، انصاف، آزادی درمی‌آمیزد (بشریه، ۱۳۸۳: ۷-۸). به‌طورکلی، مفهوم عدالت از زمانی در ذهن آدمی پیدا شده است که پرسش از بهتر زیستن در اندیشه‌ها راه یافت. یکی از اهداف تشکیل حکومت‌های دموکراتیک یا مردم‌سالار نیز نیل به عدالت و آزادی‌ها مشروع است. بدین ترتیب، در این جوامع افراد ملت مشمول محدودیت‌ها و اوامر و نواهی قانونی قرار نمی‌گیرند، مگر با اعمال مقررات قانونی در مراجع قضایی که در آن کلیه معیارهای دادرسی عادلانه، مدنظر قرار گرفته باشد (قاضی، ۱۳۸۳: ۱۱۹). حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه، یکی از معیارهای امنیت قضایی است که به‌منظور حفاظت اشخاص از محدودیت یا سلب غیرقانونی و خودسرانه حقوق و آزادی‌های اساسی که از مهم‌ترین آن‌ها حق حیات و آزادی اشخاص است، پیش‌بینی شده است (کمیته حقوق بشر، ۲۰۰۰: ۸).

در حقوق ایران، ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ حق دسترسی متهم و وکیل وی را به پرونده پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته است. این مقررات از آن جهت که چنین حقی را برای شاکی خصوصی پیش‌بینی نکرده است، ناقص به نظر می‌رسند.

در حقوق فرانسه، قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ نیز به‌نوبت خود گام‌های مهمی را در جهت تعادل حقوق دفاعی طرف‌های دعوا در مرحله رسیدگی برداشته است. بر پایه این قانون، دادگاه می‌تواند برای بزه‌دیدگانی که به زبان فرانسه آشنایی کامل ندارند، مترجم تعیین کند. این حق پیش از تصویب این قانون فقط برای متهم و گواه پیش‌بینی شده بود. وانگهی، دادگاه می‌تواند یک مترجم آشنا به زبان ناشنویان برای کمک به متهمان، بزه‌دیدگان و گواهان کر و لال تعیین کند.

یکی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه به‌عنوان عنصر مهم امنیت قضایی، رسیدگی به شکایت طرفین و استناد به دلایل قانونی ارائه‌شده از سوی آن‌ها است. در رویه قضایی نیز می‌توان به آرای استناد کرد که بر دادرسی عادلانه و مستند به دلایل قانونی



به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های امنیت قضایی دلالت دارد. در یک نمونه رأی، تخلف رئیس دادگاه انقلاب در صدور حکم به محکومیت متهم بدون وجود دلایل و صرفاً به استناد کیفرخواست صادره موجب محکومیت شده است. بر اساس رأی صادره شده، «با عنایت به مفاد مواد ۳۳ و ۳۹ و ۶۰ و ۶۳ و ۱۶۲ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو ... و مفاد بند ۵ ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر و ماده ۲۰ آئین‌نامه اجرائی این قانون. تخلف دادیار انقلاب در عدم رسیدگی به اتهام متهم، و در صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست علیه متهم دیگر بدون وجود هرگونه دلیل و بدون توجه به انکار نامبرده، مسلم است» (کریم‌زاده، ۱۳۷۶: ۸۸).

در رویه قضایی ایران، تخلف از موازین رسیدگی در محکومیت کسی که مرتکب جرم نشده است، نقض دادرسی عادلانه تلقی شده است. بر اساس یک نمونه رأی صادر شده در این خصوص «رأی به گزارش رئیس دادگاه کیفری ۲ شاکی انتظامی به لحاظ اطلاع از محل اختفاء برادرش مورد تعقیب واقع و دادیار دادسرا علیه نامبرده طبق ماده ۱۲۳ قانون مجازات عمومی کیفرخواست صادر و رئیس دادگاه مزبور وی را به ۵ ماه حبس محکوم نموده است. صرف‌نظر از اینکه اطلاع از محل اختفاء محکوم‌علیه جرم نیست، برفرض اینکه بعداً او را به‌عنوان اختفاء محکوم‌علیه تعقیب کرده باشند، چون اتهام مزبور به‌موجب ذیل ماده ۱۲۴ قانون مجازات عمومی (حاکم در زمان قضیه) به لحاظ نسبت برادری بینان دو، معاف از مجازات بوده، اصولاً تعقیب و محکومیت وی برخلاف شرع و قانون بوده و تخلف است و دفاع دادیار بر اینکه قانون مجازات عمومی سابق قابل‌اجرا نبوده و قانون تعزیرات در زمان صدور حکم موردنظر بوده، مسموع نیست» (کریم‌زاده، ۱۳۷۶: ۹۲).

### تسریع در دادرسی:

یکی از مؤلفه‌های مهم امنیت قضایی این است که فرایند دادرسی حتی‌الامکان سریع باشد (کاسیس و ایبیدا، ۲۰۰۳: ۶-۳۹۵). حق تسریع دادرسی متهم در مدت‌زمانی معقول، بدون توجه به بازداشت یا آزاد بودن او، در قوانین اساسی بسیاری کشورها به‌صراحت آمده است، بسیاری دیگر نیز از بازداشت متهم و حق محاکمه سریع در کنار

هم سخن گفته‌اند، بعضی هم حق محاکمه سریع را تنها نسبت به اشخاص بازداشتی مطرح کرده‌اند (باسیونی و ایبیدا،<sup>۱</sup> ۱۹۸۰: ۶۲۰). این اصل در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر و در اساسنامه‌های دادگاه کیفری بین‌المللی کنونی وارد شده است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۶) و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۸) این شرط را برای همه محاکمات لازم شمرده‌اند، اما میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۳ ماده ۱۴) این حق را تنها نسبت به اشخاص مشمول تعقیب کیفری پذیرفته است. در مورد محاکمات کیفری با توجه به تفسیرهای عملی، مقررات کنوانسیون‌ها و میثاق یادشده هماهنگ هستند، زیرا حق یا شرط سریع بودن یا رعایت مدت معقول را نه تنها نسبت به اصل محاکمه، بلکه در مورد صدور حکم قطعی نیز لازم شمرده‌اند.

در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به تسریع در دادرسی تأکید شده است: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند».

علاوه بر این، نوآوری‌هایی در همین زمینه و در راستای تحقق امنیت قضایی انجام شده است. شکایت شفاهی از جمله این موارد است. این نوع شکایت صرفاً از سوی دادستان و به‌منظور عمدتاً تسریع در دادرسی و پرهیز از برچسب‌زنی انجام شده و البته بیشتر مربوط به جرائم سبک است. کیفرخواست شفاهی، یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ماده ۸۶ این قانون است. در رویه قضایی نیز بر تسریع دادرسی به‌عنوان عنصر مهم تأمین امنیت قضایی تأکید شده و در نمونه آراء صادرشده اطاله دادرسی موجب محکومیت گشته است. در یک نمونه رأی تصریح شده «با عنایت به مواد ۱۸ و ۱۸ مکرر و ۲۴ و ۴۰ و ۴۸ و ۷۰ و ۱۲۳ و ۱۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری و مواد ۱۲۷ و ۱۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی: تخلف دادرسان دادگاه عمومی در اهمال وظایف قانونی و تأخیر غیرموجه در رسیدگی به پرونده مورد شکایت (موضوع چک و کلاه‌برداری) محرز و مسلم است (کریم‌زاده، ۱۳۷۶: ۹۸).



### اصل بی‌طرفی قاضی:

اصل بی‌طرفی قاضی یکی دیگر از عناصر امنیت قضایی در مرحله دادرسی است. قاضی دادگاه باید کاملاً بی‌طرف باشد، نه طرفدار شاکی و نه طرفدار متهم. عدم رعایت بی‌طرفی خلاف مقتضای عدالت است. قاضی نباید خود را مقید به کیفرخواست کند، بلکه باید دفاعیات متهم و وکیل مدافع وی را شنیده و بعد از بررسی کامل رأی دهد و تحت تأثیر هیچ سفارش و نفوذی قرار نگیرد. دفاع از کیفرخواست وظیفه دادستان است نه قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده. این امر صراحتاً در ماده ۳۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است. این اصل جزو اصول نانوشته است و در قوانین جزایی ایران به آن تصریح نشده است. ولی از اصول مهمی که در دادرسی همه کشورها حاکمیت دارد، به عبارت دیگر، از بدیهی‌ها است.

در اسناد مختلف بین‌المللی که به امنیت قضایی استناد شده، از بی‌طرفانه بودن دادرسی به منزله جزء ضروری آن سخن رفته است. مواد ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر از اصل دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه بودن آن را پیش‌بینی کرده است.<sup>۱</sup>

در حقوق کیفری ایران، قانون‌گذار در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به اصل بی‌طرفی قاضی اشاره کرده است. در این ماده مقرر شده است: «مراجع قضائی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند».

در رویه قضایی نیز، اصل بی‌طرفی قاضی مورد توجه قرار گرفته است. در نمونه آراء زیر، خروج قاضی از بی‌طرفی موجب محکومیت شده است. در یک نمونه رأی تصریح شده که «با عنایت به مفاد مواد ۴۴ و ۱۲۳ و ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳، تخلف قاضی تحقیق دادگستری در عدم مراعات بی‌طرفی در امر تحقیقات و در صدور قرار مجرمیت غیرمستدل و غیرمستند، مسلم است» (کریم‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۷).

۱ - هرچند این سند برای کشورهای عضو سازمان ملل متحد الزام‌آور نیست، حقوق بشر با تصویب این سند چهره بین‌المللی به خود گرفت.



### اصل دادرسی علنی:

یکی دیگر از عناصر مهم امنیت قضایی، اصل دادرسی علنی است. اصل علنی بودن دادرسی متکفل تأمین دو مصلحت است، یکی حمایت از متهم در برابر محاکمات سری و دیگری جلب اعتماد عمومی به اجرای عدالت (باسیونی، ۱۹۸۰<sup>۱</sup>: ۷۳). حق بر دادرسی علنی به‌عنوان یکی از عناصر مهم امنیت قضایی در اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۱۰)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۱ ماده ۱۴)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۶) و کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (بند ۵ ماده ۸) از این جمله‌اند. مواد ۱۴ میثاق یاد شده و ۶ کنوانسیون اروپایی هر دو در بند ۱ خود، علنی بودن استماع دعوا و اعلان حکم را برای دعاوی مدنی و قضایای کیفری، هر دو، لازم می‌شمارند.

در این خصوص می‌توان به نمونه رأی شماره ۲۰۹ - ۲۱۱ اشاره کرد که بیان می‌کند: «... تخلف رئیس دادگاه عمومی در سهل‌انگاری در عدم رعایت ضوابط قانونی در تشکیل جلسه علنی دادگاه محرز است (کریم زاده، ۱۳۷۶: ۷۶).

قانون‌گذار در بند ۳ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری غیرعلنی بودن محاکمه را در صورتی می‌داند که مخل امنیت یا احساسات مذهبی باشد. در این خصوص با توجه به نص صریح اصل ۱۶۵ و بند ۳ ماده فوق‌الذکر می‌توان چنین اظهار کرد که قانون‌گذار مخل امنیت بودن یک پرونده را فقط از اختیارات دادگاه رسیدگی‌کننده می‌داند و حتی این مورد را از اختیارات رئیس حوزه قضایی یا رئیس قوه قضائیه قرار نداده است.

### حق احضار شهود له و علیه:

یکی از مصادیق امنیت قضایی، حق متهم برای احضار و سؤال از شهود است (اشرافی، ۱۳۸۶: ۷۶). همان‌گونه که دادستان حق دسترسی و احضار شهود علیه متهم را دارد، امنیت ایجاب می‌کند متهم نیز با همان شرایط حق درخواست احضار و سؤال از شهود له خود را در دادرسی کیفری داشته باشد. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ماده ۲۰۴ مقرر شده بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذی‌ربط، شخصی را که حضور یا تحقیق از وی برای

1- Bassiouni, 1980: 73



روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات احضار می‌کند. این ماده به‌خوبی نشانگر تغییرات مؤثر و مثبت قانون‌گذار در زمینه امنیت قضایی در زمینه ابزار استفاده برابر از شهود و مطلعان از سوی طرفین دعوی است.

### ضابطین دادگستری:

دستگاه قضایی کشور در راستای تحقق بخشیدن به مفاد اصل ۱۵۶ قانون اساسی به‌ویژه بند چهارم این اصل، علاوه بر قوانین خوب پیشرفته، به یک نیروی مستعد و کارآمد نیز در جهت کشف و تحقیق جرائم و کلیه اقدامات مرتبط با این امر از قبیل «حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهمان» نیاز دارد که در حال حاضر، به‌موجب قانون، ضابطین دادگستری به‌عنوان بازوی اجرایی قوه قضائیه مشغول انجام وظایف قانونی خود می‌باشند.

از آنجایی که انجام این‌گونه وظایف با حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و نظم عمومی جامعه و نیز به‌نوعی با مفاد اصل ۲۲ قانون اساسی مرتبط است. ضرورت دارد که یک پلیس قضایی ورزیده، آگاه، تعلیم‌دیده و مسلط بر وظایف و مقررات نیروی انتظامی عهده‌دار چنین مسئولیت‌های حساسی باشد تا از این رهگذر، حقوق و آزادی‌های قانونی و مشروع افراد جامعه بدون هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای محترم شمرده و مراعات شود.

اجرای وظیفه کشف جرائم به جهت اهمیتی که در سلسله اقدامات مربوط به نهاد دادرسی دارد، همواره مورد توجه مسئولان امر بوده است؛ به‌طوری که به‌محض وقوع ساده‌ترین جرم در سطح جامع، بلافاصله همه نگاه‌ها به سمت مرجع کشف جرم جلب شده است و توقع کشف جرم واقع‌شده را در حداقل زمان ممکن دارند. اقدامات و فعالیت‌های قضایی سایر مراجع کیفری تا حدود بسیار زیادی به نحوه کارکرد این مرجع وابسته است و فعالیت مراجع مزبور جهت رسیدگی به جرائم و اجرای احکام، زمانی شروع می‌شود که این مرجع، وظیفه جرم‌یابی خود را با فن‌ها و تاکتیک‌های روزآمد و اصول پلیس علمی انجام داده باشد و کوچک‌ترین ضعف، نقص و بی‌توجهی در این مرحله از اقدامات، مربوط به کشف جرائم برابر تجارب موجود، به‌هیچ‌وجه قابل جبران نبوده و در خاتمه رسیدگی قضایی مشهود است؛ به‌طوری که در اکثر اوقات، ابهامات و

پیچیدگی‌های بزرگی در روند رسیدگی به موضوع به وجود می‌آورد که درنهایت، منجر به فرار مجرم از چنگال عدالت و بلامجازات ماندن وی و بی‌نظمی در جامعه می‌شود.

بدون شک تا زمانی که علوم و فنون مورد استفاده در بخش کشف جرائم از جدیدترین و پیشرفته‌ترین یافته‌های پلیسی نباشد، این مرجع نخواهد توانست وظیفه بسیار مهم و سرنوشت‌ساز خود را به نحو احسن انجام دهد. شاید بتوان گفت منشأ تمام بی‌نظمی‌ها و هرج‌ومرج‌های اجتماعی، بلامجازات ماندن مجرمان در اثر کشف نشدن جرائم و عدم اثبات آن در مراجع قضایی و موفق به فرار شدن مجرمان از چنگال عدالت، نهفته است.

ضرورت وجود ضابطین دادگستری به‌عنوان مرجع کشف جرائم که یکی از موضوعات بسیار مهم حقوق جزای شکلی می‌باشد تا آنجاست که گفته شده است: «...به تجربه ثابت شده است آنچه موجب اصلاح جامعه و ارباب مجرمین می‌گردد، شدت مجازات نبوده بلکه پلیس قضایی ورزیده و قضات متخصص هستند که هر نوع جرم را کشف و فاعل آن را به مجازات می‌رسانند، به‌طوری‌که هیچ مجرمی بدون مجازات نمانده و هیچ بی‌گناهی گرفتار عقاب نشود که این امر وظیفه اصلی و هدف نهایی حقوق جزای شکلی آیین دادرسی کیفری است».

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که مرجع ضابطین دادگستری به‌عنوان یکی از عناصر و مؤلفه‌های دادرسی، از مهم‌ترین وظایف را در راستای تحقق بخشیدن به عدالت کیفری به عهده‌دارند و به دلیل نوع حساسیت و اهمیت این وظیفه و نقش آن در اصلاح جامعه و ارباب مجرمان و درنهایت، گرفتار شدن آن‌ها در چنگال عدالت و محافظت از حقوق و آزادی‌های افراد جامعه در جهت اینکه مبدا به دلیل اقدامات غیرقانونی افراد بی‌گناه مجازات گردند، ضرورت دارد توجهی ویژه از هر حیث، در راستای تقویت این مرجع از طرف مسئولان امر به عمل آید.

فرآیند دادرسی کیفری آغاز و پایانی دارد و در نگاه سامانه‌ای دارای ورودی، پردازش و خروجی‌هایی است؛ آغاز این فرآیند کشف جرم و پایان آن اجرای حکم است و در فاصله این دو مرحله مهم، پردازش پرونده کیفری قرار دارد.



در این فرآیند نوع رفتار و عملکردها برای کشف حقیقت در جریان اقدامات تأمینی یا تحقیقی از سوی همه کارگزاران نظام عدالت کیفری مهم است لکن ضابطان دادگستری به دلیل حضور منحصربه‌فرد در مرحله کشف جرم، حضور پررنگ در جریان تحقیقات و رسیدگی‌های قضایی و حضور مشارکتی با برخی نهادهای دیگر در مرحله اجرای حکم نقشی ویژه دارند.

این نقش ویژه ضابطان دادگستری همچون تیغی دو لبه عمل می‌کند که تنها در صورت رعایت توازن و تعادل بین مثلث حقوق متهم، حقوق بزه‌دیده و حقوق جامعه، کارآمدی، نظم‌دهی و اثربخشی لازم را برای اهداف نظام عدالت کیفری خواهد داشت.

اگر ضابطان به هر دلیلی گرایش پررنگ‌تر به یکی از این اضلاع سه‌گانه داشته باشد، آنگاه عدالت و آرامش و نظم عمومی، نخستین قربانی نگاه تبعیض‌آمیز خواهد بود؛ زیرا از یک‌سو، در یک جامعه سالم مردم در رویارویی با هرگونه احساس ناامنی یا احساس تعرض به حقوق خود، نخستین مرجعی که برای تظلم‌خواهی به یاد می‌آورند ضابطان قضایی هستند که پیش از هر نهاد دیگری در کوچه و خیابان نزدیک منزل و اقامتگاه آنان حضور دارند. از سوی دیگر، متهمان مورد تعقیب اگر در وجدان خود می‌دانند که بی‌گناه‌اند، امیدشان آن خواهد بود که ضابطان قضایی به‌قدری بی‌طرف و آگاه از وظایف خود و مسلط بر کار خود باشند که با تدبیر به‌موقع آنان، گنه‌کار و ناکرده بزه در نزد مقام قضایی به‌راحتی شناخته شود و یا در صورت گناهکار بودن، اطمینان داشته باشند که بیش از آنچه به‌عنوان یک متهم یا حتی مجرم استحقاق دارند، به حریم کرامت انسانی و جان و مال آن‌ها تعرضی نخواهد شد و صرف متهم بودن آن‌ها به معنای مباح بودن هرگونه تعرض به حقوق و آزادی‌ها و کرامت آن‌ها نیست.

بالاخره در ضلع سوم، دولت و نظام قضایی قرار دارد که با آموزش‌ها و توجیه‌های فنی که به ضابطان می‌دهد، زمینه‌ای فراهم می‌کند که آنان با تدبیر و تعهد، پاسداران خط مقدم دفاع از نظم و امنیت و آرامش عمومی باشند.

باین‌حال به نظر می‌رسد، قانون، طراز و شاخص دقیق و شناخته‌شده‌ای است که می‌تواند رفتار بر اساس آن، بین حقوق سه‌ضلعی مورد اشاره، توازن به وجود آورد؛ به‌عبارت‌دیگر، قانون مناسب‌ترین الگو برای سنجش میزان دقت رفتار و عملکرد حرفه‌ای

ضابطان قضایی در انجام وظایف خود در جهت عدالت قضایی و فصل الخطابی برای همه طرف‌های پرونده کیفری است.

بدین‌سان آشنایی ضابطان قضایی با حدود اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های خود به‌عنوان مقدمه ضروری عمل به قانون، بر کسی پوشیده نیست.

این آشنایی اگر تا دیروز یک وظیفه اخلاقی یا سازمانی بود، اکنون با تصویب مواد ۲۸ تا ۳۲ و ۶۰۲ تا ۶۰۴ قانون آ.د.ک. سال ۱۳۹۲ دیگر به‌عنوان یک وظیفه قانونی شناخته می‌شود که برای ضابطان، آموزش را به‌عنوان یکی از شرایط تصدی این وظیفه می‌شناسد و تخلف از آن را با ضمانت اجرا همراه می‌کند و برای مقام قضایی، تکلیف قانونی آموزش‌های تخصصی به ضابطان را پیش‌بینی می‌کند.

#### رعایت حقوق شهروندی شاکی و متهم:

حال می‌خواهیم به حقوق شهروندی شاکی و متهم که طرفین اصلی پرونده‌های کیفری هستند، بپردازیم و وظایف و اختیارات ضابطان عام دادگستری (نیروی انتظامی) را در این زمینه بررسی کنیم. ضابطان دادگستری که بیشتر آغازکننده تشکیل پرونده‌های کیفری هستند، به‌عنوان بازوی اجرایی قوه قضاییه نقشی مهم را در برقراری تعادل در حقوق شاکی و متهم دارا هستند.

از دیگر حقوق شهروندی مشترک میان متهم و بزه‌دیده، حق بهره‌مندی از رفتارهای صحیح و مناسب است که رعایت آن در فرایند دادرسی کیفری از سوی ضابطان دادگستری و قضات ضروری است. در اصل انسان در جامعه اسلامی منزلت و جایگاه خاصی دارد و به انسان در منابع دینی و قوانین موضوعه مورد احترام و توجه خاصی شده است، قرآن کریم در آیات مختلفی از جمله آیات ۳۰ و ۳۴ سوره بقره، آیات ۲۹، ۳۰ و ۳۱ سوره حجر، آیه ۱۳ سوره حجرات، آیه ۵ سوره قصص و آیات ۷۱ و ۷۲ سوره ص، به کرامت انسانی اشاره داشته است که برای مثال، در آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملنهم فی البر و البحر و رزقنهم من الطیب و فضلنهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً»- ما آدمی‌زادگان را گرمی داشتیم و آن‌ها را در برابر خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.



از دیدگاه قانون نیز احترام به انسان‌ها به‌طور اعم و متهم و شاکی به‌طور اخص، در فرایند کیفری جایگاه ویژه‌ای دارد. در بعد بین‌المللی، اسناد متعددی را می‌توان نام برد که بنیان آن‌ها بر پایه احترام به انسان است و به ضرورت توجه به اصل احترام به متهم و شاکی در فرایند کیفری توجه دارد، از جمله این اسناد می‌توان به اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره (بند (ب) ماده یک و ماده ۲۰) اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۵ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی (ماده ۷ و بند یک ماده ۱۰) اشاره کرد.

اما در خصوص بزه‌دیده، اگرچه در دیگر مراحل دادرسی به‌منظور رعایت حقوق وی، باید رفتار مناسب و در شأن او انجام گیرد، ولی مرحله پس از وقوع جرم، به لحاظ این‌که پلیس در بیشتر مواقع زودتر و سریع‌تر از دیگر مقامات در صحنه حضور می‌یابد، اهمیت بالاتری دارد. مالباخته‌ای که مال وی سرقت شده است، شخصی که مورد ضرب و شتم بزهکاران قرار گرفته است و... هر کدام در شرایط نامناسب روحی- روانی و جسمی قرار دارند که پلیس باید با ظرافت و دقت بتواند بزه‌دیده را تا حد ممکن به حالت عادی بازگرداند.

نتیجه آن که، هم در قرآن کریم و هم در قوانین داخلی و بین‌المللی، به مقوله رفتارهای مناسب با متهم و بزه‌دیده توجه ویژه‌ای شده است و مقامات قضایی و ضابطان عام دادگستری باید با مطالعه و آشنایی هر چه بیشتر این قوانین بتوانند در ارتقای سطح احترام به متهمان و بزه دیدگان در فرایند دادرسی کیفری، تلاش نمایند. تا موجب ایجاد نظم و امنیت قضایی در جامعه گردد.

### جلوه‌های امنیت قضایی در رعایت حقوق دفاعی متهم:

فرایند دادرسی کیفری باید «مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلب حقوق شخصی و سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود» (قانون احترام به آزادی‌های مشروع، ۱۳۸۳، بند شماره ۱) و حیثیت و شرافت افراد و حقوق بزه دیدگان در فرایند دادرسی تأمین و تضمین شود (تدین، ۱۳۹۱: ۲۵). در رویه قضایی ایران نیز بر رعایت حقوق دفاعی متهم تأکید شده است. در یک نمونه رأی صادر شده تصریح شده، چون ماده ۲۶۱ قانون آئین دادرسی کیفری صراحت دارد که حاکم محکمه

باید بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم مبادرت به صدور حکم کند، و رئیس دادگاه کیفری ۲ بدون استماع آخرین دفاع متهم، او را محکوم نموده مرتکب تخلف شده است. دادپار اجرای احکام که بعد از رد تجدیدنظرخواهی متهم، از اجرای حکم خودداری کرده و به نظر خود حکم صادره را قانونی و مشروع نمی‌دانسته، چون برخلاف موازین قانونی رفتار کرده تخلفش مسلم است (کریم‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۲).

### تفکیک مقام تعقیب از تحقیق:

تفکیک مقام تعقیب از تحقیق یکی از حقوق دفاعی متهم و از عناصر تأمین امنیت قضایی محسوب می‌شود. نظام کیفری ایران به دلیل تفتیشی بودن نظام دادرسی، حقوق محدودی را برای متهم پیش‌بینی کرده است. حق اعتراض به برخی از قرارهای دادرسی و امکان حضور وکیل متهم در تحقیقات (بی‌آنکه حق مداخله در جریان تحقیق را داشته باشد) از جمله حقوق دفاعی محدودی بود که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ پذیرفته شده بود. با این حال، این قانون تفکیک بین مقام تعقیب، تحقیق و رسیدگی را رعایت کرده و دادستان که امر تعقیب را بر عهده داشت مجاز به دخالت در امر تحقیق نبود.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری «الگوی جهانی دادرسی عادلانه» که جزء جدایی‌ناپذیر اسناد بین‌المللی حقوق بشر به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ است تحولات فراوانی را در مورد حمایت از متهم و در راستای تأمین امنیت قضایی پیش‌بینی کرده است. در این میان، مقررات ناظر به دادرسی متهم از این نظر که احتمال نقض حقوق دفاعی متهم در این مرحله بیشتر قابل تصور است تحولات مهمی داشته و در پی ترافی کردن هرچه بیشتر دادرسی و دادن امکان برابر به همه طرف‌های دعوا است و در نتیجه، گرایش به سوی نظام اتهامی دارد.

### سلب حق ارجاع پرونده از دادستان و واگذاری آن به قاضی ارجاع مستقل:

با عنایت به اینکه تصمیم دادستان در ارجاع پرونده به قضات جهت انجام تحقیقات مقدماتی یک تصمیم قضایی-اداری است. لذا مطابق قاعده کلی حاکم بر تصمیمات قضایی، باید موجه، مستدل و جهت آن مشخص شود و هرچند که تصمیم مذکور قطعی و غیرقابل اعتراض است.



در مقررات فعلی دادستان هیچ محدودیتی در ارجاع پرونده به شعبه یا قاضی ندارد و هم می‌تواند پرونده را به شعبه ارجاع نماید و هم به قاضی البته در چهارچوب قانون برخلاف ماده ۲۶ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، پرونده و شکایات واصله به شعب ارجاع می‌شود نه قاضی.

حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا دادستان پس از ارجاع پرونده به یکی از شعبات دادپاری یا بازپرسی می‌تواند پرونده را از شعبه مرجوع الیه اخذ و به شعبه دیگر ارجاع نماید یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آئین دادرسی کیفری به این مطلب توجه داشته و با اصلاح ماده ۲۶۲ قانون قبلی در ماده ۳۳۹ و تبصره ۱ و ۲ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته «پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع الیه اخذ و به شعبه دیگر ارجاع کرد مگر به تجویز قانون یا به تشخیص رئیس قوه قضائیه با رعایت مصلحت». (تبصره ۱: رعایت مفاد این ماده در مورد شعبه دیوان عالی کشور، دادگاه استان و شعب بازپرس نیز الزامی است).

#### الزام دادستان به ارائه ادله ابرازی در کیفرخواست:

دادستان با صدور کیفرخواست سرنوشت متهم را به دادگاه می‌سپارد و برای این منظور برای رسیدگی ماهوی به جرائم جلسات دادگاه‌های کیفری باید با حضور دادستان تشکیل یابد، زیرا همان‌گونه که بیان شد، در این‌گونه دادرسی‌ها مدعی دعوی عمومی است و همین خصیصه ایجاب می‌کند که در دادگاه حاضر شود و از خواسته جامعه دفاع کند و توضیح دهد که بر چه مبنایی برخلاف اصل براءت متهم را شایسته و مستحق درخواست مجازات دانسته است.

قانون‌گذار در ماده ۳۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به این مهم اشاره کرده است. حال به این موضوع می‌پردازیم که فلسفه وجود و حضور دادستان و نماینده دادستان در جلسات برای چیست؟ می‌دانیم که دادستان، مدعی‌العموم بوده و وظیفه دفاع از مردم، مقدمات جامعه، امنیت جامعه و نظارت بر حسن اجرای قوانین و احقاق حق و اجرای عدالت را عهده‌دار است. وظیفه دفاع از کیفرخواست اقتضا می‌کند که نماینده دادستان وقتی احساس می‌کند که دادگاه در جرائم مهم احتمال دارد که



مجازات سبک در نظر بگیرد یا اینکه حکم برائت صادر نماید، با ارائه و اعلام دیدگاه‌های قانونی و حقوقی، دادگاه را اقناع کند که مجازات درخواست شده و مواد قانون استنادی با نوع جرم انطباق کامل داشته و صدور حکم محکومیت متهم باعث صیانت جامعه و حفظ حریم‌ها و مایه عبرت دیگران خواهد شد و این مهم، از نقطه نظر دفاع اجتماعی نیز قابل توجیه است.

### چالش‌های فراروی امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران:

در این مبحث، چالش‌های فراروی امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. مهم‌ترین چالش‌های فراروی تحقق امنیت قضایی عبارت‌اند از: ۱- اطلاع دادرسی ۲- فقدان عدالت کیفری و نقض حقوق شهروندی ۳- عدم شفافیت قوانین ۴- عدم پاسخگویی دستگاه قضایی است.

### چالش اطلاع دادرسی:

یکی از چالش‌های تأمین امنیت قضایی، اطلاع دادرسی است. از جمله آسیب‌ها و معایب سیستم عدالت مدنی و دستگاه قضایی، اطلاع دادرسی است. طبیعی می‌نماید که اطلاع دادرسی، فلسفه دادرسی را متأثر نموده و کارکرد منفی فردی و اجتماعی تولید می‌کند. مفهوم کیفیت دادرسی که از مفاهیم اقتصاد حقوق است، تأکید بر کارایی دادرسی دارد. از جمله عناصر کیفیت دادرسی، «زمان دادرسی» است که در صورت توجه به آن در سیاست‌گذاری‌های راجع به رهیافت‌های بهبود و ارتقای کیفیت دادرسی می‌توان به ذخیره زمانی (صرفه‌جویی در زمان) دست یافت. کیفیت دادرسی در ادبیات داخلی بیشتر با رویکرد سلبی از قبیل اطلاع دادرسی، هم در رویه قضایی و هم بین دکتربین حقوقی، مورد توجه قرار گرفته است (افشارنیا و سامع، ۱۳۸۵: ۲۲). در آیین دادرسی مدنی فراملی تأکید بر این قاعده متعالی است که «تأخیر در اجرای عدالت، نقض عدالت است» (غمامی، ۱۳۸۶: ۷۷).

قانون برنامه ۵ ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) نیز در فصل هشتم و ذیل عنوان حقوق قضایی (مواد ۲۱۱ و ۲۱۲) به‌طور مفصل به مصادیقی از کیفیت دادرسی از جمله تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها (بند ج ماده ۲۱۱)، نهادینه‌سازی فرهنگ حقوقی (بند د ماده ۲۱۱)، ارتقاء کیفیت رسیدگی به



پرونده‌ها (بند ز از ماده ۲۱۱)، افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی (بند ح از ماده ۲۱۱)، طراحی سامانه الکترونیکی کاهش زمان دادرسی و استانداردسازی زمان دادرسی (بند ک از ماده ۲۱۱) و... اشاره کرده است.

یکی از معیارهای ارزیابی امنیت قضایی، زمان صرف شده است که حد ایمنی و حساسیت دعوا نیز در گرو آن است. معیاری که مبنای کارایی یا عدم کارایی که تعیین‌کننده بازدهی یا عدم بازدهی آراء دادرسی در حقوق شکلی می‌باشند، تلقی می‌شود. معیار زمان هم در شکل‌گیری حقوق و قواعد آن عنصری طلایی به حساب می‌آید و هم در مرحله اعمال و اجرای قواعد حقوقی نقشی بنیادین و کارا دارد؛ بنابراین زمان، سرمایه اصیل حقوقی است و تأثیر آن به‌اندازه‌ای است که گاهی به حقوق شکلی، حقوق مواعد و مهلت‌ها نیز اطلاق می‌شود (نوتسن، ۲۰۰۸: ۳۷).

### چالش عدالت کیفری

اثر استقرار کیفیت دادرسی نیز تأمین عدالت، توسعه حقوق، بازده اقتصادی کلان، تولید امنیت و احساس امنیت، تحقق حقوق شهروندی و دموکراسی ماهوی، بازدهی حداکثری فرآیند دادرسی و جلب اعتماد عموم به دستگاه عدالت مدنی است.

امنیت قضایی در گرو دادرسی عادلانه و دادرسی صحیح و عادلانه در گرو معقول و متعارف نمودن هزینه‌های دادرسی می‌باشد. منظور از اصل فوق‌الاشعار اشاره به هزینه‌های فردی دادرسی است که تأکید بر «عقلایی نمودن هزینه‌ها» در قالب مدیریت هزینه‌ها است. هرچند که ابزارهایی از قبیل «پذیرش اعسار»، «بهره‌مندی از خدمات وکیل معاضدتی»، «امکان دستیابی به خسارات قانونی و قراردادی» در مسیر «تحمل هزینه‌های دادرسی» قابل مثال و تأمل است. لکن تحلیل اقتصادی به دنبال بهینه‌سازی منطقی هزینه‌های دادرسی به‌منظور ارتقای کیفیت دادرسی است. به همین دلیل و در این راستا، تکیه‌گاه تحلیل اقتصادی بر توجه به وضعیت اقتصادی اصحاب دعوا و لحاظ اصل حسن نیت در دعاوی است (میلر، ۱۹۹۷: ۹۱۵).

1- Knutsen 2008,p;37

2- Miller1997,p;915

## چالش عدم شفافیت قوانین:

اصل حاکمیت قانون که از مقدمات امنیت قضایی است، بر لزوم شفافیت قوانین تأکید دارد. بر مبنای ویژگی شفافیت، صرف انتشار عمومی قانون برای آگاهی‌رسانی کافی نیست، بلکه لازم است که نخست، متن قانون به گونه‌ای تدوین و تصویب شود که کمترین ابهام و اجمال را داشته باشد و کاملاً قابل فهم باشد و دوم، وضعیت اعتبار سایر احکام قانونی مرتبط با موضوع آن قانون مخصوصاً از حیث نسخ یا تخصیص مشخص باشد. متأسفانه در نظام حقوقی ایران علیرغم آغاز اقداماتی در خصوص تنقیح قوانین،<sup>۱</sup> شیوه و دستورالعمل شکلی برای قانون‌نویسی وجود ندارد و هنوز با نقطه مطلوب که تضمین‌کننده امنیت قضایی باشد فاصله زیادی داریم؛ گذشته از متون مجمل و پر ابهام و تفسیربرداری قانونی، با حجم عظیمی از قوانین خاص و عام، ناسخ و منسوخ ... در حوزه‌های مختلف مواجهیم که از آن با عنوان پدیده «تورم تقنینی» نام می‌برند. تورم قوانین به‌ویژه به دلیل مشکلاتی که در رابطه با آگاهی از متن قانون ایجاد می‌کند، یک بیماری حقوقی بسیار مبتلابه است (ساواتیر، ۱۹۹۷: ۴۳).

## چالش پاسخگو نبودن نظام قضایی:

لازم به ذکر است که پاسخگویی قضایی در دو سطح قابل بررسی است: الف) پاسخگویی (شخصی) قضات در خصوص تصمیمات قضایی؛<sup>۲</sup> ب) پاسخگویی قوه قضاییه (تشکیلات قضایی) در خصوص عملکرد این نهاد.<sup>۴</sup>

متناظر با تأکید بر تقویت راهکارهای تأمین استقلال قضات و افزایش درخواست‌ها برای کسب استقلال نهادی دستگاه قضایی از قوه مجریه، بر ضرورت و اهمیت پاسخگویی قضایی (اعم از قضات و نهاد قضایی) در انجام وظایف محوله و مدیریت امور قضایی تأکید شده است. لازم به ذکر است که از حیث استقلال شخصی، سازوکارهای مختلفی برای تأمین بی‌طرفی قضات و پاسخگویی آن‌ها طراحی شده است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: سازوکارهای مستقیم (نظیر مسئولیت انضباطی

۱- قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ اقدامات مفیدی را برای تنقیح قوانین و مقررات کشور پیش‌بینی کرده است که اجرای آن‌ها می‌تواند برکات زیادی را برای تحقق امنیت قضایی به ارمغان آورد.

2 -Savatier

3- Judicial Decisions

4- Institutional Operation



قضات، امکان عزل آن‌ها و ارزیابی منظم عملکرد قضات) و سازوکارهای غیرمستقیم (نظیر علنی بودن رسیدگی، استماع دلایل طرفین دعوی، الزام به بیان مستندات و امکان نقد و ارزیابی آرای قضایی).<sup>۱</sup>

اما در بعد نهادی، قوه قضاییه چگونه باید پاسخگوی عملکرد خود باشد؟ امروزه پاسخگویی یکی از ضرورت‌های برخورداری مقامات و نهادهای عمومی از قدرت عمومی در یک نظام مردم‌سالار تلقی می‌شود. همان‌گونه که سایر مقامات و نهادهای عمومی ارائه‌کننده خدمات عمومی پاسخگوی عملکرد خود هستند، مقامات قضایی نیز باید به طرق مقتضی پاسخگوی عملکرد خود باشند. پرواضح است که با توجه به اهمیت و حساسیت استقلال قضایی، مقامات مزبور (قضات و مقامات و مدیران نهاد قضایی) طبعاً نمی‌توانند و نباید مانند سایر مقامات و مأموران نهادهای عمومی، پاسخگوی عملکرد خود باشند. باید سازوکارهایی متناسب با وضعیت و ویژگی‌های خاص آن‌ها طراحی شود. اقتضای استقلال قضایی آن است که قضات نمی‌توانند همانند مستخدمان عمومی و به همان روش، به وزارت خانه مربوط پاسخگو باشند. (کنتینی، ۲۰۰۷: ۳۱).

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد که امروزه اصل نظم و امنیت قضایی به یکی از اصول مهم در فرایند قضایی تبدیل شده است. این اصل که خود دربرگیرنده اصول دیگری است به همراه آن‌ها مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد که با اعمال آن‌ها مجموعه روابط حقوقی شهروندان و نیز روابط آنان با نهادهای حکومتی سامان یافته و از ثبات بیشتری برخوردار می‌شود. این ثبات در رابط حقوقی، اعتماد مشروع شهروندان را که شامل اطمینان به صحت قوانین و نیز عملکرد نهادهای مجری آن‌ها (و در رأس آن‌ها نهادهای قضایی و ضابطین) می‌باشد، به دنبال خواهد داشت. به همین دلیل است که نظام‌های حقوقی مدرن با شناسایی این اصل و بالطبع اصول متشکله آن، به‌عنوان اصلی واجد ارزش قانون اساسی جایگاه والایی بدان بخشیده‌اند. جایگاهی که با در نظر

۱- سازوکارهای مختلفی جهت کنترل درونی قضات (نظیر تهیه و تدوین کدهای رفتاری) و کنترل بیرونی آن‌ها (توسط نهادهای خاص و با سازوکارهای خاص) تعبیه شده است.

گرفتن کارکرد آن در حمایت و تضمین حق‌ها و آزادی‌های شهروندی، بی‌تردید، شایسته اصل نظم و امنیت قضایی است. از آنچه بیان شد، می‌توان چنین استنباط کرد که مجموعه مصادیق حقوق قضایی که مورد اشاره قرار گرفتند، میان سایر جنبه‌های حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی با امنیت قضایی، ارتباط نزدیکی ایجاد می‌کنند. با این فرض، حق داشتن وکیل، حق دسترسی به مراجع و محاکم صالح قضایی، حق علنی بودن دادرسی‌ها، حق القای بازداشت و توقیف خودسرانه، حق دادرسی عادلانه حقوق دفاعی متهم، ضابطان علمی و قانونمند که همگی دارای جنبه حقوق بشری و حقوق شهروندی هستند و از مصادیق حقوق قضایی محسوب می‌شوند، اگر به‌درستی اعمال شوند، می‌توانند موجبات ایجاد وضعیتی را به نام «امنیت قضایی» فراهم کنند و در واقع، تضمین‌کننده عدالت قضایی و تأمین‌کننده سایر مصادیق حقوق بشر و حقوق شهروندی نیز خواهند بود. در این راستا، آنچه بیش‌ازپیش اهمیت می‌یابد، عملکرد صحیح، قانونی و بدون تبعیض دستگاه قضایی کشور، در راستای دستیابی به این مهم خواهد بود؛ زیرا فقط در این صورت است که اطمینان خاطر شهروندان نسبت به عدم تضییع حقوق قانونی‌شان، به حد مطلوب می‌رسد.

اگر اهداف نظام قضایی را در کشور، تأمین حقوق شهروندان و دفاع از آن بدانیم، امنیت قضایی زمانی حاصل خواهد شد که قواعد، احکام، نهادها، ضابطین، سازمان‌ها و فعالان موجود در بخش قضایی کشور، به‌طور صحیح، اصولی و بر مبنای قانون، تکالیف و وظایف محوله خویش را انجام دهند.

بررسی به‌عمل‌آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که یکی از عناصر مؤثر در تمامی مراحل دادرسی و در نهایت، تحقق نظم و امنیت قضایی وجود پلیس علمی و قانونمند است. به‌موجب قوانین موضوعه ضابطین دادگستری به‌عنوان بازوی اجرایی قوه قضائیه محسوب می‌شوند، پس ضرورت دارد چنین نیرویی با توجه به حساسیت وظایف محوله که ارتباط مستقیم با دستگاه قضایی دارد، از استعداد، دانش، تجربه، آگاهی و تسلط بسیار بالایی نسبت به مأموریت‌های خود برخوردار باشد تا بتواند در ایفای نقش خود همواره به موفقیت دست یابد. بی‌تردید اگر ضابطین دادگستری در وظایف قانونی خود از تبحر، تسلط و آگاهی کافی برخوردار باشند و وظایف خود را بدون هیچ‌گونه عیب و نقصی انجام دهند محاکم قضایی نیز که از این تشکیلات تغذیه می‌گردند، در یک



فرصت زمان‌بندی‌شده و با عملکرد قابل قبولی به وظایف خود عمل خواهند کرد و موجب ایجاد نظم و امنیت قضایی در جامع خواهد شد و برعکس، یکی از دلایل حرکت کند محاکم قضایی و یا به عبارتی، توسعه‌نیافتگی آن مطابق با شئون و مقتضیات روز، عملکرد ضعیف و ناقص ضابطین می‌باشد؛ اما لازمه تحقق امنیت قضایی در نظام حقوقی ایران توسعه قضائی است. توسعه تحولی است پویا و حرکتی دینامیک که با اتکای به آن ظرفیت‌های موجود می‌تواند در راستای وضعیت مطلوب ارتقا یابد. توسعه قضایی به حوزه‌ای اطلاق می‌گردد که زمینه‌های گسترش حقوق و تکالیف انسانی را با اعتناء بر مبانی فقهی اسلام و شناخت از مقتضیات زمان فراهم می‌آورد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌عنوان یکی از پیش‌زمینه‌های نظری و تئوریک، اصولی مقرر گردیده که بر مبنای آن بسترهای مناسب تحقق «عدالت اجتماعی» و «امنیت» در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و قضایی فراهم می‌شود و موجبات تعالی و شکوفایی استعداد‌های مادی و معنوی همه آحاد جامعه به‌عنوان حقوق همگانی ممکن می‌گردد؛ بنابراین نظام قضایی کشور ایران به‌عنوان یکی از معیارهای سنجش توسعه‌یافتگی محسوب می‌شود.

### پیشنهادهای

- ۱- سیاست‌های کلی امنیت قضایی ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۹ مقام معظم رهبری به نحو صحیح، دقیق و کامل اجرا گردد.
- ۲- تنقیح و شفاف‌سازی قوانین؛
- ۳- زمینه‌ای توسط ناجا فراهم شود تا بلافاصله پس از وقوع جرم، بزه‌دیده در شرایط روحی و روانی مناسب قرار گیرد که در حال حاضر، با ایجاد واحدهای مشاوره اجتماعی در کلانتری‌ها نسبت به این امر اقدام می‌گردد، بنابراین لازم است با ارتقای کمی و کیفی این واحدها و به‌کارگیری افراد متخصص و خبره در آنها، به شرایط روحی- روانی شاکی بیش‌ازپیش توجه نمایند و تا حد ممکن، موجبات اعاده شرایط بزه‌دیده را به قبل از وقوع جرم فراهم نمایند.

۴- احترام به شاکی باید به‌گونه‌ای باشد که احساس نماید با همکاری ضابطان دادگستری و مقامات قضایی، حقوق از دست‌رفته خود را به دست خواهد آورد و نگرانی‌ای از این بابت نداشته باشد.

۵- پلیس بلافاصله پس از وقوع جرائم، به‌ویژه در جرائم علیه اشخاص از قبیل قتل و ضرب‌وجرح، با دقت و سرعت عمل و با همکاری دیگر نهادها از جمله نهادهای پزشکی (اورژانس)، سعی کنند امحاء آثار وقوع جرم را به حداقل کاهش دهند.

۶- بازنگری در مقررات مربوط به صلاحیت علمی و اخلاقی مأموران پلیس و نظارت بر عملکرد بازجویان پلیس آگاهی برای جلوگیری از نقض حقوق شهروندی متهم.



## منابع

- افشارنیا، طیب؛ مبین، حجت (۱۳۸۹). «اطاله دادرسی و توسعه قضایی». تهران: انتشارات خرسندی.
- بشریه، حسین (۱۳۸۳). «حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت». تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- تدین، عباس (۱۳۹۱). «قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه». (چاپ اول)، تهران: انتشارات خرسندی.
- سامع، علی (۱۳۸۵). «علل اطاله دادرسی در نظام قضایی ایران». تهران: انتشارات آثار اندیشه.
- طه، فریده؛ اشرفی، لیلا (۱۳۸۶). «دادرسی عادلانه». (چاپ اول)، تهران: نشر میزان.
- غمامی، مجید؛ محسنی، حسن (۱۳۸۶). «اصول آیین دادرسی مدنی فراملی». تهران: نشر میزان.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳). «بایسته‌های حقوق اساسی». (چاپ شانزدهم)، تهران: نشر میزان.
- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، (۱۳۸۳).
- کریم‌زاده، احمد (۱۳۷۶). «آرای دادگاه‌های انتظامی قضات، امور کیفری». تهران: انتشارات جنگل.
- Cassese, A. (2003). In *internsational criminal law* (pp. 395-6). oxford:Oup.
- Francesco, c., & Mohr, R. (2007). In *Reconciling Independence And Accountability In Judicial Systems*Utrecht law review (p. 31).
- Knutsen, E. (2008). In *the cost of costs: the unfortunatedeterrence of everyday civil litigation in Canada* (p. 37). Queens University.
- M.C.Bassiouni. (1980). In *Introduction to International Criminal Law* (p. 620). Travnatinal publishers.
- Miller, G. (1997). *the legal-economic analysis ofcomparative civil procedure.*, the American Journal ofcomparative law, 45, 915.
- Rights, L. C. (2000). *What is fair trial?*, New York. In *A basic guide to legal standards and practice* (p. 9). New York.
- Savatier. (1997). *collection bangaining and wages in comparative perspective* germans,france, the netherlands,sweden and the united kingdome.